

ابعاد مفهومی مدارای سیاسی در جامعه اسلامی

با تأکید بر سیره آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته)

اصغر افتخاری *

میلاذ موحدیان **

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۷/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۱۹

چکیده

موضوع نوشتار حاضر، مدارای سیاسی است که می‌توان آن را یکی از وظایف مهم حکومت‌ها و سیاست‌مداران برای تحقق اتحاد ملی و رشد اندیشه‌های مختلف اجتماعی به حساب آورد. برای شناخت مفهوم مدارا لازم است ابعاد مختلف آن مشخص گردد تا مخاطب بتواند فهم عمیقی نسبت به این موضوع پیدا کند. در این مقاله از نگاه آیت‌الله مهدوی کنی به تحلیل مدارای سیاسی پرداخته شده است. دلیل انتخاب ایشان برای این موضوع، باتوجه به جایگاه علمی و سیاسی ایشان و مشی مبتنی بر مدارای ایشان است که برای جامعه امروز می‌تواند الگو باشد. محققان نخست با بررسی تحلیلی متون اصلی در موضوع مدارای سیاسی، به هشت سؤال اساسی درخصوص مدارا دست یافته و سپس دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی را در این محورها با استفاده از روش تحلیل محتوای آثار ایشان استنباط و ارائه نموده‌اند. سؤالات محوری شامل این موارد است: مدارا (به چه معنایی، با چه مبنایی، از چه کسی، نسبت به چه کسی، در چه حوزه‌ای، با چه هدفی، تا کجا، با چه شاخصی). نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: ایشان مدارا را به صبر، تحمل و نیکوکاری تعریف کرده‌اند. قدرت سیاسی، تقوای اجتماعی و تبعیت از ولایت را مبنای مدارا می‌دانستند. مدارا کردن را وظیفه حاکمان جامعه اسلامی، و دوستان، مخالفان و حتی دشمنان را سه گروهی می‌دانستند که باید نسبت به آن‌ها با مدارا رفتار شود. مدارای بدون چارچوب را قبول نداشتند و هدف مدارا را ایجاد وحدت در جامعه می‌دانستند. برای مدارا حدود مرزهایی قائل بودند و همچنین شاخص‌های مدارا در سیره سیاسی ایشان قابل مشاهده است. روش پژوهش، این تحقیق تحلیل محتوا است و نگارندگان در پی پاسخ به این سؤال بوده‌اند که ابعاد مختلف مدارا در سیره آیت‌الله مهدوی کنی چه مفهومی دارد. در چارچوب تحلیلی مقاله نیز به تبیین ابعاد مفهومی مدارا پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی: مدارای سیاسی، جامعه اسلامی، آیت‌الله مهدوی کنی، انقلاب اسلامی.

eftekhariasg@gmail.com

* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع)

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول)
Milad.movahedian@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

مدارا از جمله مفاهیم راهبردی است که در حوزه مدیریت سیاسی نقش برجسته‌ای دارد. به همین خاطر است که اصلاح امور و ارتقای جایگاه قدرت‌ها به میزان و الگوی مدارای سیاسی آن‌ها وابسته است. باین‌حال شاهد ارائه تعریف واحدی از این مفهوم نمی‌باشیم. مدارا دارای طیفی از معانی بوده و حوزه‌های گوناگونی را دربر می‌گیرد که در این میان مدارای سیاسی از اولویت کاربردی بیشتری برخوردار است (مبیدی، ۱۳۷۹، ۷۵). موضوعی که در این مقاله به صورت اختصاصی دنبال شده، بحث مدارای سیاسی است که درک صحیح و عمیق از این مفهوم جز با بررسی ابعاد مختلف آن حاصل نخواهد شد. با عطف توجه به اندک مطالعات صورت گرفته در این زمینه، مشخص می‌شود که تمایز این مقاله با سایر آثار موجود در آن است که: اولاً، رویکردی جامع دارد و با شناسایی هشت بُعد اصلی مدارای سیاسی، نسبت به تجمیع دیدگاه‌ها در این زمینه اقدام نموده است. دیگر آن‌که بر دیدگاه‌های آیت‌الله مهدوی کنی متمرکز است که تاکنون به آن کمتر پرداخته شده است.

علی‌رغم نقش پُررنگ آیت‌الله مهدوی کنی در تاریخ انقلاب اسلامی به‌ویژه در سال‌های ابتدایی انقلاب که ایشان در مناصب مهم و مختلف دولتی از جمله کمیته‌های انقلاب اسلامی، وزارت کشور، نخست وزیری و... مسئولیت داشته‌اند و به گفته مقام معظم رهبری ^{حفظه الله} «همه‌جا و همه‌وقت در موضع یک عالم دینی و یک سیاست‌مدار صادق و یک انقلابی صریح» ظاهر شدند^۱، اما در باب سیره سیاسی ایشان کار پژوهشی، کمتر صورت گرفته است. همین موضوع محققان را برآن داشت تا به پژوهش در ابعاد نظری و عملی اندیشه این سیاست‌مدار صادق، همت گمارند.

ذکر این نکته نیز حائز اهمیت است که با توجه به‌عنوان پژوهش، رویکرد اسلامی به مدارا اتخاذ شده است و درعین‌حال که چارچوب تحلیلی مقاله، رویکردهای مختلف را مورد بررسی قرار می‌دهد اما در نهایت، رویکرد اصلی، اسلامی تعریف شده و از همان زاویه نیز به پژوهش پرداخته خواهد شد. بررسی نگاه اندیشمندان غربی به موضوع مدارا در قسمت چارچوب تحلیلی بیشتر بدین جهت بوده که در پرتوی شناخت مدارای غربی، مدارای اسلامی روشن‌تر و قابل فهم‌تر توضیح داده شود و‌گرنه

خود آن موضوعیت ندارد و نگارندگان در پی تطبیق مدارای غربی و اسلامی در همه ابعاد نیستند. بنابراین سؤال اصلی پژوهش عبارت است از آنکه ابعاد مختلف مدارای سیاسی در سیره آیت‌الله مهدوی کنی، کدام است و بر این مبنا مدارای سیاسی به چه معنا است؟

روش پژوهش «تحلیل محتوا» است؛ بدین صورت که پس از طی مرحله موضوع‌شناسی و استخراج سؤالات اصلی مبحث مدارا، آن‌ها را در قالب جدولی کدگذاری کرده و سپس در مکتوبات موجود از آیت‌الله مهدوی کنی فیش‌های مرتبط با موضوع استخراج شده‌اند. پس از استخراج فیش‌ها و یافتن دلالت‌های معنایی هر فیش، به پالایش آن‌ها خواهیم پرداخت تا مطالب مهم‌تر و مرتبط‌تر گزینش شود و سپس با کمک کدگذاری انجام شده، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مطالب خواهیم پرداخت. لازم به ذکر است که در باب مدارا در اندیشه سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی، ۵۷ فیش از آثار مکتوب ایشان، استخراج شد که بعد از پالایش اولیه، ۳۵ مورد آن در تدوین این مقاله، استفاده شده است.

۱. چارچوب تحلیلی

شناخت «مدارا» ممکن نخواهد بود مگر آنکه زوایای مختلف این کلمه مورد تحلیل قرار گیرد. نگارندگان از رهگذر مطالعه کتب و مقالات اصلی مرتبط با موضوع مدارا در زبان فارسی، به این نتیجه رسیده‌اند که هریک از آثار مکتوب این حوزه در پی پاسخ دادن به یک یا چند سؤال اصلی در باب مدارا می‌باشند. لذا رویکردی جامع‌نگر انتخاب شده و هشت سؤال مشترک و محوری استخراج شده و مبنا قرار گرفته‌اند (نک. جدول شماره ۱).

جدول شماره ۱: سؤالات اصلی بحث مدارا در کتب و مقالات مختلف این حوزه

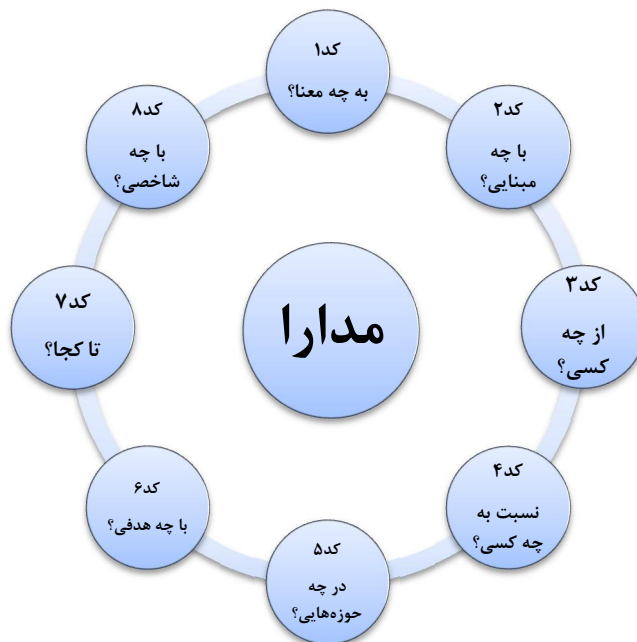
نوع اثر	ردیف	نام اثر	نام نویسنده	سؤالات	کد	صفحات
کتاب	۱	خشونت و مدارا	علی اکبر رشاد	به چه معنا؟	۱	۷۶ و ۵۷
				با چه مبنایی؟	۲	۸۴ و ۳۵
				از چه کسی؟	۳	۷۷

نوع اثر	ردیف	نام اثر	نام نویسنده	سؤالات	کد	صفحات
				با چه کسی؟	۴	۸۰ تا ۸۲
				با چه هدفی؟	۶	۷۸ و ۸۳
				تا کجا؟	۷	۷۹ و ۸۳
۲	مدارا	محمدحسن روزبه	به چه معنا؟	۱	۱۵	
			با چه مبنایی؟	۲	۲۲	
			با چه کسی؟	۴	۲۳ و ۳۳	
			در چه حوزه‌هایی؟	۵	۸۴ تا ۹۵	
			با چه هدفی؟	۶	۹۹	
			با چه شاخصی؟	۸	۴۲ تا ۵۶	
			به چه معنا؟	۱	۶۷ تا ۷۷ و ۲۱۷ و ۲۱۸	
۳	تساهل و تسامح	محمدتقی میبدی	با چه مبنایی؟	۲	۷۳ و ۸۲ و ۱۵۶ و ۱۵۷	
			با چه کسی؟	۴	۶۶ و ۱۲۰	
			با چه هدفی؟	۶	۷۵ و ۷۷ و ۸۵	
			تا کجا؟	۷	۸۱ تا ۸۳	
			به چه معنا؟	۱	۱۰۳ و ۱۲۱ و ۱۴۹	
۴	تسامح از دیرباز تا امروز	مازیار مهمینی	با چه مبنایی؟	۲	۷۵ و ۶۳ و ۴۲ و ۹	
			تا کجا؟	۷	۱۸۷	
			به چه معنا؟	۱	۸۲	
۵	مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی	غلامرضا نوعی	با چه هدفی؟	۶	۸۹	
			با چه شاخصی؟	۸	۶۶ و ۷۷ و ۱۹ و ۱۰۵ تا ۹۹	
			به چه معنا؟	۱	۱۲ و ۳۰	
۶	تساهل	دیوید هید	با چه مبنایی؟	۲	۲۳	
			با چه شاخصی؟	۲	۲۳	

نوع اثر	ردیف	نام اثر	نام نویسنده	سؤالات	کد	صفحات
	۷	تفاوت و تساهل	رامین جهانبگلو	با چه کسی؟	۴	۲۷
				به چه معنا؟	۱	۳ و ۲
	۸	نامه‌ای در باب تساهل	جان لاک	با چه مبنایی؟	۲	۳۸ و ۳۶
				به چه معنا؟	۱	۷
				از چه کسی؟	۳	۷۷
	۹	التسامح فی الإسلام	شوقی أبوخلیل	به چه معنا؟	۱	۳۹
				با چه مبنایی؟	۲	۴۵
	۱۰	عقلانیت و تساهل در اسلام از دیدگاه لسینگ	سیلویا هروش	به چه معنا؟	۱	۱۱۵
	۱۱	تساهل در تاریخ اندیشه غرب	ژولی سادا - ژاندرون	تا کجا؟	۷	۱۹۵
	۱۲	دموکراسی قدسی	علی اکبر رشاد	با چه مبنایی؟	۲	۱۶۷
				از چه کسی؟	۳	۱۶۱
با چه کسی؟				۴	۱۶۳	
با چه هدفی؟				۶	۱۶۵	
مقاله	۱۳	تساهل و مدارا در اندیشه سیاسی اسلام	حسین فرزانه‌فر	به چه معنا؟	۱	۲۳ و ۴
				با چه مبنایی؟	۲	۲۳ و ۲۲
				با چه کسی؟	۴	۹ تا ۷
				در چه حوزه‌هایی؟	۵	۲۰ تا ۱۸
				تا کجا؟	۷	۲۲ و ۲۱
۱۴	معضل مدارا	محمد رضا رجبی	به چه معنا؟	۱	۱۳ و ۴	
			با چه مبنایی؟	۲	۱۰	
			با چه کسی؟	۴	۹	

بنابراین متون موجود در باب مدارا، در پی پاسخ دادن به یکی از سؤالات ذیل می‌باشند؛

۱. معنای مدارا چیست؟
 ۲. خاستگاه و مبنای مدارا کجاست؟
 ۳. مدارا از چه کسانی شایسته است؟
 ۴. مدارا نسبت به چه کسانی باید انجام گیرد؟
 ۵. مدارا در چه حوزه‌هایی باید صورت گیرد؟
 ۶. نتایجی که از مدارا انتظار داریم، چیست؟
 ۷. مرز مدارا تا کجاست؟
 ۸. شاخص‌های مدارا کدام است؟
- مجموع این سؤالات را می‌توان در قالب الگوی مفهومی زیر ارائه نمود:



شکل شماره ۱: سؤالات اصلی بحث مدارا به صورت کدگذاری شده

در ادامه ابعاد مختلف مدارا در قالب سؤالات هشت‌گانه اصلی تبیین می‌شود:

۱-۱. معنای مدارا چیست؟

مدارا در لغت به معنای رعایت کردن، صلح و آشتی نمودن، آهستگی، نرمی، مماشات، رفق، بردباری، تحمل، خضوع و فروتنی، مروت، ادب، سازگاری و شفقت آمده است (رشاد، ۱۳۸۵، ۵۷). تفاوت لغوی اصطلاح مدارا با معادل اروپایی آن یعنی «تولرانس» تا اندازه‌ای نشان از تفاوت ریشه‌ای این رسم میان ما و اروپائیان است. واژه «تولرانس» در سده شانزدهم در ارتباط با مسئله شکاف میان مذاهب مسیحی، از زبان لاتینی و فرانسوی به عاریت گرفته شد و در وهله نخست به معنای تحمل عقاید دینی دیگران بود (هرش، ۱۳۸۷، ۱۱۵). مدارا به معنای آسان گرفتن و مهربانی کردن است و تولرانس از ریشه Tolerare به معنای بارکشیدن و تحمل کردن است، چراکه اروپائیان نخستین بار این کلمه را در فضای جنگ‌های مذهبی کاتولیک‌ها و پروتستان‌ها به کار بردند که در واقع راه‌حلی بود در جهت تحمل عقاید مخالف به جهت پیشگیری از جنگ‌های مذهبی (فاضل میبدی، ۱۳۷۹، ۱۵۷). مدارا در نگاه اندیشمندان غربی، انگاره تحمل کردن را در خود دارد. درواقع مدارای غربی عبارت است از قبول و پذیرش آنچه که قبول نداریم و به آن معترضیم اما این اعتراض همواره مقرون به یک نوع خویشنداری و صیانت خود از طرد و انهدام یک تفکر یا یک اندیشه است (لاک، ۱۳۷۷، ۷)؛ بنابراین مدارا نه به تفاوت و اینکه نخواهیم مخالفت یا مخالف، حذف شود (مهمی و شیخی محمدی، ۱۳۷۸، ۱۴۹). اما از منظر اسلامی، مدارا به معنای تحمل عقاید رقیب در عین باورمندی و پابندی به حقانیت اعتقادات خود است نه ترویج آنارشیسم ایدئولوژیک. تساهل اسلام، به معنی سعه صدر و گشودن فضای تعامل و تعاطی افکار و انظار است نه شک‌پراکنی و بی‌ثباتی فکری (رشاد، ۱۳۸۵، ۷۶).

۲-۱. خاستگاه مدارا کجاست؟

مبنای تولرانس، نوعی از «پلورالیسم» است، بدین صورت که آدمی در انتخاب بین گزینه‌ها، هیچ معیار و مبنای متقن و محکمی ندارد و در نتیجه نمی‌تواند میان عقاید و

مسلک‌ها، هیچ رجحان و برتری بیابد. لاک به صراحت به این موضوع اشاره می‌کند و معتقد است که «اگر یک حقیقت وجود دارد و یک راه به بهشت می‌رود، چه امیدی است که اکثر انسان‌ها به بهشت بروند. چنین چیزی بسیار نامعقول است» (لاک، ۱۳۷۷، ۶۰). در واقع مدارا در معنای غربی‌اش، ریشه در «شکاکیت دستوری» دکارت دارد که انسان را نسبت به همه چیز دچار شک و حیرت می‌کند و از آنجایی که از نگاه انسان غربی، حقیقتی وجود ندارد، انسان باید نسبت به عقاید همگان، به صورت برابر رفتار کند (فاضل میبیدی، ۱۳۷۹، ۱۵۶). این نوع نگاه تا جایی پیش می‌رود که افرادی مانند مارتین لوتر، مدارا را زاینده عشق می‌داند و بی‌مدارایی را زاینده ایمان (میهنی و شیخی محمدی، ۱۳۷۸، ۶۳).

در حالی که مبنای مدارا در اسلام به هیچ وجه نسبی‌گرایی معرفتی و زیر سؤال بردن اصل حقیقت نیست و از همین روی، مفاهیمی چون حق و باطل، قابل شناسایی و معرفت هستند (فرزانه فر، ۱۳۸۳، ۲۱). در واقع مدارا به معنای بی‌تفاوتی نسبت به عقاید مخالف خود نیست بلکه هرچند موضع محکمی نسبت به عقاید مخالف دارد ولی در عین حال، تحمیل عقیده خود بر دیگران را جایز نمی‌داند (نوعی، ۱۳۷۹، ۸۱). مدارای مورد نظر اسلام، از سعه صدر و رحمت و محبت درونی انسان مسلمان نسبت به سایر انسان‌ها ریشه می‌گیرد، همان محبتی که اگر چیز ناپسندی از مردم دید، تحمل کند و تا جایی که با حدود الهی سازگار است، خواست دیگران را بر خواست خود ترجیح دهد (روزبه، ۱۳۸۶، ۲۱). در واقع یک مسلمان چون عقیده خود را از روی عقل و تفکر برگزیده و به درستی آن ایمان دارد، تمامی عیب‌هایی را که احتمالاً می‌توان بر آن عقیده گرفت، از قبل در ذهن خود پیش‌بینی کرده و از روبرو شدن با حجت مخالف نمی‌ترسد. با بررسی مبنای بحث مدارا از منظر اسلامی و غربی، روشن می‌شود که اساساً مدارا در غرب در تقابل با دین به وجود آمد، در حالی که مدارای مورد نظر اسلام ریشه در دین و مذهب دارد، بلکه یکی از علل ظهور نحله‌های مختلف فکری و فرهنگی در تمدن اسلامی، همین نوع نگاه توأم با مدارای دین مبین اسلام نسبت به تفاوت‌های موجود در جامعه است (أبوخلیل، ۱۹۹۸، ۴۵).

۳-۱. مدارا از چه کسانی شایسته است؟

با تعریفی که از مدارا و خاستگاه آن ارائه دادیم، واضح است که مدارا از همگان شایسته است ولی از صاحبان قدرت بیشتر از سایر مردم مورد انتظار است. در واقع در رویکرد اسلامی هرچه انسان، قدرت بیشتری پیدا می‌کند باید تواضع و مدارای بیشتری از خود نشان دهد. مدارا همچون ابزار و روشی است که زمامداران با استفاده از آن، فرصت تبادل آراء، رشد اندیشه‌ها و تدبیر امور اجتماعی انسان‌ها را فراهم می‌کنند (رشاد، ۱۳۸۵، ۷۷). چنانکه رسول اکرم (ﷺ) نیز به واسطه همین روحیه مدارا و لین بودنش، توانست قلوب انسان‌ها را به سمت حقایق الهی جذب نماید: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ» (آل عمران: ۵۹) به شهادت تاریخ صدر اسلام، پیامبر اکرم (ﷺ) در مواقعی که قدرت بیشتری داشتند، مدارای بیشتری به خرج می‌دادند که نمونه برجسته آن ماجرای فتح مکه است که حضرت، با صرف نظر از همه دشمنی‌هایی که در طول ۱۰ سال حضورشان در مکه متحمل شده بودند، فرمان عفو عمومی صادر کردند (رشاد، ۱۳۸۵، ۸۵).

۴-۱. مدارا نسبت به چه کسانی باید انجام گیرد؟

نکته اولی که باید در پاسخ به این سؤال ذکر کرد آن است که مدارا بیش از آنکه در نسبت با انتخاب‌ها، عقاید و حتی اعمال و رفتارها باشد، در نسبت با عوامل این رفتارها و معتقدان به آن عقاید معنا پیدا می‌کند (هید، ۱۳۸۳، ۲۷). حال که موضوع سؤال، افراد و انسان‌ها شد، باید بگوییم که در دیدگاه اسلامی، مدارا تنها در نسبت با هم‌کیشان مطرح نمی‌شود بلکه اقلیت‌های دینی و مذهبی و حتی کفار و مشرکین «غیرمحارب» را نیز شامل می‌شود (روزبه، ۱۳۸۶، ۲۶). بنابراین تنها گروهی که از چتر مدارای اسلام بیرون می‌روند، کفار و مشرکین محارب و معاندی هستند که دست به شمشیر برده و اقدام به خیانت و توطئه و آدم‌کشی می‌کنند (رشاد، ۱۳۸۵، ۸۳). در یک بیان کلی، مدارا بیشتر در نسبت با زیردستان معنا پیدا می‌کند تا زبردستان و از همین جاست که مدارا بیشتر از صاحبان قدرت و سیاست‌مداران مورد انتظار است تا سایر مردم (فاضل میبدی، ۱۳۷۹، ۱۲۰).

۵-۱. مدارا در چه حوزه‌هایی باید صورت گیرد؟

اولین موردی که باید حاکم اسلامی نسبت به آن اهل مدارا باشد، عقیده و دین مردم است، چراکه اعتقاد یک امر درونی است و بر اساس آیات قرآن، انسان مختار است که هر نوع عقیده‌ای را برگزیند: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»^۳ (آل عمران: ۲۵۶) البته این به معنای تجویز و امضای عقیده نیست چراکه اسلام تنها خود را بر حق می‌داند و هیچ‌گاه نمی‌تواند عقاید باطل را به رسمیت بشناسد و آن‌ها را امضا کند. بنابراین هرکسی می‌تواند هر عقیده‌ای داشته باشد ولی هر عقیده‌ای رسماً مورد تأیید نیست (روزبه، ۱۳۸۶، ۸۲). دومین موردی که سیاست‌مداران باید نسبت به آن اهل مدارا باشند، مقوله اندیشه است؛ یکی از مهم‌ترین دستوره‌های قرآن، تفکر است و حکومت‌ها باید به نسبت به انواع اندیشه‌ها، اهل تسامح و مدارا باشند تا در پرتو تبادل افکار و نظرات مختلف، رشد و تحول علمی حاصل گردد.^۴ سومین عنصری که مدارا نسبت به آن مطلق نبوده بلکه با قیود و شرایطی اجازه داده شده، مدارا نسبت به بیان اندیشه‌هاست. از دیدگاه اسلامی هرکس مجاز است که به بیان اندیشه‌های خود پردازد و حکومت هم موظف است نسبت به نظرات مختلف و حتی مخالف خود، اهل مدارا باشد اما این تاجایی است که آزادی بیان به توطئه‌چینی و محاربه و دسیسه و عناد ختم نشود. آخرین موردی که سیاست‌مداران باید نسبت به آن مدارا داشته باشند، بحث آزادی رفتار است. در دیدگاه اسلامی هرچند که حاکم نباید نسبت به اعمال شخصی شهروندان در محیط خصوصی خودشان دخالت کند (مثل اینکه فردی در خانه خودش شراب می‌نوشد) ولی در مورد حوزه عمومی، حکومت حق دارد که با افراد متجاهر به فسق برخورد کند چراکه صیانت از جامعه، مصلحت بالاتری است و این مصلحت بالاتر اقتضا می‌کند که نسبت به کسانی که در انظار عمومی دست به رفتارهای معارض با امنیت جامعه و عفت عمومی می‌زنند، مدارا صورت نگیرد (نک. روزبه، ۱۳۸۶، ۹۰-۸۶).

۶-۱. نتایج مورد انتظار از مدارا چیست؟

اولین نتیجه مدارا، ساختن جامعه‌ای آرام و باصفا و به دور از تنش‌های روحی و روانی و جنگ اعصاب است. اساساً رشد علمی تمدن اسلامی در قرن چهارم و پنجم نیز

مرهون ایجاد همین فضای باز بحث و گفتگو در جامعه اسلامی بود. نتیجه دیگر وجود مدارا در جامعه، از بین رفتن خصلت نفاق است چراکه اگر فردی نتواند عقاید قلبی خود را ابراز نماید، مجبور می‌شود آن را پنهان داشته و خود را باب میل حکومت نشان دهد ولی در نهان از زدن هیچ ضربه‌ای نسبت به حکومت خودداری نمی‌کند. از دیگر مزایای مدارا، حفظ وحدت جامعه است چراکه با گسترش مدارا بر تعداد دوستان افزوده می‌شود و از صف دشمنان کاسته می‌شود (نوعی، ۱۳۷۹، ۸۲). البته برخی نیز معتقدند که عدم مدارا لازمه حفظ امنیت جامعه و دولت است ولی در جواب این سخن باید گفت که کوشش برای تحمیل همگونی عقاید چنان پرهزینه و دشوار است که به زحمتش نمی‌ارزد (فاضل میبیدی، ۱۳۷۹، ۷۵). و گاه هزینه‌های این‌گونه تحمیل و یکپارچگی و یکرنگی صوری ناشی از آن در بلندمدت، بسیار بیشتر از منافع آنی ناشی از سکوت موقت است. تربیت و تنبّه مخالفان و دشمنان از دیگر نتایج مداراست که نمونه‌های فراوان آن در سیره تربیتی حضرات معصومین (علیهم‌السلام) قابل مشاهده است (رشاد، ۱۳۸۲، ۱۶۵).

۱-۷. مرز مدارا تا کجاست؟

هم در دیدگاه اندیشمندان غربی و هم در رویکرد اسلامی، مدارا بدون حد و مرز نیست. برای مثال جان لاک که رساله او در باب تساهل وی را در جایگاه بنیان‌گذاران مکتب تساهل در غرب قرار داده، معتقد است که مدارا در مورد ترویج عقاید مغایر با بقا و تداوم بشری یا مغایر با اصول اخلاقی حافظ اجتماع، غیر قابل تحقق است (لاک، ۱۳۷۷، ۸۱) یا پیر بیل^۵ معتقد است که الحاد غیرقابل تساهل است. (لاک، ۱۳۷۷، ۸۳) جان رالز دیگر متفکر غربی نیز اگرچه معتقد است تساهل نتیجه مستقیم اصل برابری آزادی برای همه است اما برای آن محدودیت‌هایی قائل است که وجود آن محدودیت‌ها را برای حفظ همان آزادی لازم می‌داند (ژاندرون، ۱۳۷۸، ۱۹۵). در رویکرد اسلامی نیز مدارا با توطئه‌گران، ستمگران و معاندان جایگاهی ندارد. برخی از این حدومرزشها در پاسخ به سؤالات قبلی ذکر شد اما به جهت تکمیل، موارد دیگری را نیز در اینجا اضافه می‌کنیم. یکی از مرزهای مدارا، مصالح و منافع ملی است که نباید در برابر اقداماتی که

منجر به تهدید آن‌ها می‌شود، مسامحه به خرج داد. مرز دیگر مدارا، مبانی و اصول اسلامی مانند توحید، معاد و ولایت است که توهین یا تضعیف آن نباید با مدارا مواجهه شود (رشاد، ۱۳۸۵، ۸۳).

۸-۱ شاخص‌های مدارا کدام است؟

شاخص‌های مدارا به ما کمک می‌کنند تا اهل مدارا را بهتر بشناسیم. به علت کثرت شاخص‌های مدارا، در اینجا به‌عنوان نمونه و مثال، به مهم‌ترین و کلیدی‌ترین شاخص‌هایی که در مدارای سیاسی باید مورد توجه سیاست‌مداران قرار گیرد، می‌پردازیم. این شاخص‌ها عبارتند از: صبر و عفو در برابر خطاکاران، گفتگو با مخالفان با سه ابزار حکمت (استدلال)، موعظه و جدال احسن، اعتراف به حقوق اقلیت‌ها و خوش‌رفتاری با آن‌ها، رفتار انسانی با دشمنان (نوعی، ۱۳۷۹، صص ۶۶ تا ۱۰۶). در جدول شماره ۲ پاسخ به سؤالات هشت‌گانه در باب مدارا، به صورت کلیدواژه آورده شده است.

جدول شماره ۲: تبیین ابعاد و مؤلفه‌های مدارا در نگاه اندیشمندان

در چه حوزه‌ای؟	به چه معنا؟
عقاید و اندیشه‌ها (به صورت مطلق) / بیان و رفتار (به صورت مشروط)	تحمل کردن (نگاه غربی) / آسان گرفتن و مهرورزی (نگاه اسلامی)
با چه هدفی؟	با چه مبنایی؟
ایجاد جامعه‌ای آرام / حفظ وحدت جامعه / از بین رفتن خصمت نفاق / تربیت	پلورالیسم (نگاه غربی) / رحمت فطری انسان (نگاه اسلامی)
تا کجا؟	از چه کسی؟
منافع ملی / مصالح اسلامی / اصول و مبانی دینی / معاندین و محاربین	از همه انسان‌ها به ویژه صاحبان قدرت و زبردستان
با چه شاخصی؟	با چه کسی؟
صبر و عفو در مقابل خطاکاران / گفتگو با مخالفان / رعایت حقوق و خوش‌رفتاری با اقلیت‌ها / رفتار انسانی با دشمنان	با همه انسان‌ها به غیر از معاندین و محاربین

۲. ابعاد هشتمانه مدارا در سیره سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

در اینجا بنا داریم با ارائه سؤالات اصلی مبحث مدارای سیاسی به اندیشه و عملکرد آیت‌الله مهدوی کنی (ره)، پاسخ این سؤالات هشت‌گانه را از سیره سیاسی ایشان، به‌دست آوریم. کتب اصلی که برای این بخش بدان مراجعه شده است، به شرح زیر است:
جدول شماره ۳: مشخصات کتب اصلی بخش مدارا در سیره سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

نام کتاب	نگارنده (تدوین کننده)	کد کتاب
خاطرات آیت‌الله مهدوی کنی (ره)	دکتر غلامرضا خواجه سروی	۱
سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی	دکتر نادر جعفری هفتخوانی	۲
عقل و دین	آیت‌الله مهدوی کنی (ره)	۳

۲-۱. معنای مدارا چیست؟

نگارندگان با جستجوی دقیق در آثار مکتوب سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی، به این نتیجه رسیدند که ایشان در پی ارائه تعریفی شفاف و روشن نبوده و در مواردی هم که این واژه را استعمال نموده‌اند، همان معنای عرفی و رایج را مدنظر داشته‌اند. با مطالعه مواردی که ایشان از واژه مدارا در سخنان خود استفاده کرده‌اند، برداشت می‌شود که آیت‌الله مهدوی کنی مدارا را به معنای برخورد سخت و خشن نداشتن، تحمل کردن، صبر و حوصله به خرج دادن و نیکوکاری کردن، استفاده کرده‌اند. در واقع ایشان واژه مدارا را در طیفی از معانی از تحمل کردن تا نیکوکاری کردن، به کار برده‌اند.

جدول شماره ۴: فیش‌های مربوط به (مدارا به چه معنایی؟) در سیره آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

دلالات	منبع	فیش
برخورد سخت و خشن نداشتن	ص ۲۱۷	۱ من طبعاً با درگیری که توسط منافقین و گروهک‌های ضدانقلاب انجام می‌شد مخالف بودم و معتقد بودم که اقدامات آن‌ها غیرقانونی است. اما با توجه به سیاست مصوب شورای انقلاب، نیروهای انتظامی از کمیته و شهربانی موظف به مدارا بودند و حتی‌المقدور از درگیری با این گروه‌ها پرهیز می‌کردند.
تحمل کردن	ص ۲۸۵	۱ بنده هیچ‌گاه طرفدار بنی‌صدر نبودم و هیچ ذره‌ای هم علاقه به بنی‌صدر نداشتم. ... من به آقای امانی گفتم: شما این را بدانید، من اگر مدارا می‌کنم به خاطر مصلحت و به خاطر موضعی است که امام می‌گیرند.

دالات	منبع		فیش
صبر و حوصله به خرج دادن	ص ۱۴۳	۲	باید در مسائل اجتماعی خطا و جرم برای همه مسلم و مشهود باشد یا بشود برای مردم اثبات کرد تا در جامعه قابل پیاده شدن باشد. لذا دولت و نظام ما و امام ما دستور مدارا و صبر می‌دادند تا میوه در موقع خودش چیده شود.
نیکوکاری کردن	ص ۱۵۰	۲	قرآن به ما می‌گوید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» آن‌هایی که با شما در دین جنگ نکردند و شما را از خانه‌هایتان بیرون نکردند، اشکالی ندارد که با آن‌ها قسط و مدارا و نیکوکاری داشته باشید.

۲-۲. خاستگاه و مبنای مدارا کجاست؟

مدارای سیاسی در دیدگاه آیت‌الله مهدوی کنی (ره) ریشه در یکی از این سه مبنا دارد: قدرت سیاسی، تبعیت از ولایت و تقوای اجتماعی. فیش‌های مرتبط با این سه مبنا در جدول شماره ۵ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۵: فیش‌های مربوط به (مدارا بر چه مبنایی؟) در سیره آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

دالات	منبع		فیش
مدارا بر مبنای قدرت سیاسی	ص ۱۶۹	۲	علت این که به بنده کمتر بدوبیره می‌گویند به خاطر این است که ما در کمیته هم که بودیم با همه قدرتی که به‌دست ما بود و هر کاری را روزهای اول انقلاب در این مملکت می‌توانستیم انجام دهیم، ولی می‌گفتیم ما برای خدا و اسلام انقلاب کردیم، پس حالا که به قدرت رسیدیم نباید از قدرت سوءاستفاده کنیم.
مدارا بر مبنای تبعیت از ولایت	ص ۲۳۷	۲	آن موقعی که امام به برادران ما فرمودند که سکوت کنید، آن‌ها به خاطر امام سکوت کردند و تهمت‌ها و حرف‌ها را تحمل کردند. وقتی به آن برادران می‌گفتیم چرا، می‌گفتند امام فرمودند سکوت، ما هم سکوت کردیم.
مدارا بر مبنای تقوای اجتماعی	ص ۱۵۲	۳	خداوند به‌وسیله تقوا بنده را از آن چیزهایی که عقلش بدان نرسیده است حفظ می‌کند. بسیاری از موضع‌گیری‌های سیاسی هم‌چنین است، یعنی اگر انسان تقوا داشته باشد، بسیاری از حرف‌ها را نمی‌زند. اگر انسان تقوا داشته باشد در رابطه با گفته‌های دیگران زود موضع منفی نمی‌گیرد و تحلیل بد نمی‌کند. تقوا باعث می‌شود که انسان مقداری تأمل و تفکر و تحقیق و بررسی کند و کسی را بی‌دلیل محکوم نکند.

۲-۳. مدارا از چه کسانی شایسته است؟

آیت‌الله مهدوی کنی (ره) در قامت رئیس کمیته‌های انقلاب اسلامی، موظف به برخورد قانونی با گروهک‌ها و اقدامات غیرقانونی آن‌ها بود. درعین‌حال ایشان چون در جایگاه حاکمیتی قرار گرفته بودند، خود را ملزم به رعایت مدارا نسبت به این گروه‌ها نیز می‌دانستند. این سخن بدان معناست که اعتقاد مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی بر این بوده که هرکس در جایگاه حاکمیتی قرار گیرد، شایسته است که نسبت به مردم که زیردست وی محسوب می‌شوند، اهل مدارا باشد.

جدول شماره ۶: فیش‌های مربوط به (مدارا از چه کسی؟) در سیره آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

دلالات	منبع	فیش
مدارا به علت مسئولیت حکومتی	ص ۲۱۷	۱ من طبعاً با درگیری که توسط منافقین و گروهک‌های ضدانقلاب انجام می‌شد و در نتیجه جو نامنی و رعب و وحشت پدید می‌آورد مخالف بودم و معتقد بودم که اقدامات آن‌ها غیرقانونی است. اما با توجه به سیاست مصوب شورای انقلاب، نیروهای انتظامی از کمیته و شهربانی موظف به مدارا بودند و حتی‌المقدور از درگیری با این گروه‌ها پرهیز می‌کردند.
مدارا به علت مسئولیت حکومتی	ص ۲۳۵	۱ بنده از اینجا که مصوبه شورای انقلاب را اجرا می‌کردم متهم به محافظه‌کاری می‌شدم. یک روز به شهید بهشتی گفتم آقا! شما این مصوبات را تصویب می‌کنید و به دست من می‌دهید، این را اقلأ اعلام کنید، شما فتوایش را می‌دهید، من اجرا می‌کنم، بعد من می‌شوم محافظه‌کار و شما می‌شوید انقلابی.

۲-۴. مدارا نسبت به چه کسانی باید صورت گیرد؟

بیشترین فیش‌های مدارا در سیره آیت‌الله مهدوی کنی، در پاسخ به این سؤال پیدا شد و این بدان معناست که ایشان اهمیت زیادی برای افرادی که باید نسبت به آن‌ها با مدارا رفتار شود، قائل بودند. ما در اینجا به تفکیک گروه‌هایی را که استاد فقیه، نسبت به آن‌ها اهل مدارا بوده‌اند، بر شمردیم و آن‌ها را ذیل سه دسته کلی دوستان، مخالفان و دشمنان، از یکدیگر تفکیک کردیم.

جدول شماره ۷: فیش‌های مربوط به (مدارا با چه کسی؟) در سیره آیت‌الله مهدوی کتبی (ؑ)

دسته‌بندی کلی	فیش	منبع	دلالت
مدارا با دوستان	(در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا) من ابتدا به حاج احمد آقا زنگ زدم و مسئله تسخیر لانه جاسوسی و ریختن بچه‌ها را در لانه مطرح کردم و گفتم ما مسئول حفاظت اینجا بودیم، چه شد که یک دفعه به سفارت حمله کردند... حاج سید احمد آقا مرتب می‌خندید و می‌گفتند حالا چیزی نشده. در آخر گفتند اگر امام راضی باشد دیگر حرفی هست؟ گفتم نه. اگر امام دستور دادند اشکالی ندارد.	ص ۲۲۲	مدارا با نظام جمهوری اسلامی
	(در موضوع انشعاب مجمع روحانیون مبارز از جامعه روحانیت مبارز و تهمت اسلام آمریکایی به آیت‌الله مهدوی کتبی و گلایه ایشان به امام خمینی) ایشان (امام) فرمودند خیر، الان من چنین چیزی نمی‌نویسم، ولی بعد از انتخابات بیایید و هر چه شما برای رفع این تهمت بنویسید من آن را تأیید می‌کنم. بنده خداحافظی کردم، منتها کمی دلم شکست، برای اینکه فکر نمی‌کردم امام این‌طور برخورد کند. بالاخره قلباً مقداری ناراحت شدم، ولی ابراز نکردم.	ص ۳۳۴	مدارا با نظام جمهوری اسلامی
	(در ماجرای استعفای ایشان از مسئولیت کمیته‌های انقلاب اسلامی در حضور امام خمینی) ایشان (امام) مرا نصیحت کردند، فرمودند که مبادا بیرون بروی، منبر بروی، البته برداشت من از این جمله این بود که مبادا در اثر ناراحتی موضع‌گیری کنی و زبان به اعتراض و انتقاد بگشایی. گفتم: شما خاطر جمع باشید، بنده کسی نیستم که بروم مخالفت بکنم.	ص ۲۷۱	مدارا با نظام جمهوری اسلامی
	قرآن به ما می‌گوید: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» آن‌هایی که با شما در دین جنگ نکردند و شما را از خانه هایتان بیرون نکردند، اشکالی ندارد که با آن‌ها قسط و مدارا و نیکوکاری داشته باشید. این دستور قرآن است و بنای ما هم بر همین است که با همه کشورها حسن همجواری داشته باشیم و شعار ما این بوده و ما برای دفاع از مسلمین هم آن مقدار که در توان‌مان باشد همیشه آماده هستیم.	ص ۱۵۰	مدارا با کشورهای اسلامی
مدارا با مخالفان	ما اصرار کردیم اجازه بدهند به خدمت آقای شریعتمداری برسیم و از ایشان نوشته‌ای، حکمی یا بیانه‌ای بگیریم که در رادیو و تلویزیون خوانده شود و مردم را به آرامش به تبعیت از جریان انقلاب دعوت کند. من مرتب اصرار می‌کردم که شما اجازه بدهید حداقل یک مرتبه ما برویم، من فکر می‌کنم که ایشان حسن نیت داشته باشد.	ص ۱۲۸	مدارا با آیت‌الله‌العظمی شریعتمداری
	بنده هیچ‌گاه طرفدار بنی‌صدر نبودم و هیچ ذره‌ای هم علاقه به بنی‌صدر نداشتم. ... من به خصوص به آقای امانی گفتم: شما این را بدانید، من اگر مدارا می‌کنم به خاطر مصلحت و به خاطر مواضعی است که امام می‌گیرند.	ص ۲۸۵	مدارا با بنی‌صدر
	من عقاید آقایان نهضت آزادی را به لیبرالیسم تعبیر نمی‌کنم، چون لیبرال مفهوم خاصی دارد که اصلاً با مسلمانی نمی‌خواند و شکی نیست که نهضتی‌ها مسلمان بودند، ولی روحیات و خلقیات و افکار و عقایدی مخصوص به خود داشتند.	ص ۲۰۶	مدارا با نهضت آزادی

دسته بندی کلی	فیش	منبع	دلالت
	(بعد از انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۷۶) طبق قانون به آرای مردم احترام می‌گذاریم، تا حدی که لازم باشد برای احترام به آرای مردم و حفظ نظام همکاری می‌کنیم، ولی در عین حال از نظام اسلامی پاسداری می‌کنیم و در سنگرهای خود با دیده‌بانی دقیق مراقب اوضاع هستیم.	ص ۳۷۶	مدارا با رأی مخالف مردم
مدارا با دشمنان	در سیاست خارجی هم ما در آن موقع معتقد به تنش‌زدایی بودیم، ما می‌گفتیم که واقعاً به نفع انقلاب است که تنش‌زدایی شود، چون در داخل و خارج، دشمن مشغول توطئه است و به دنبال بهانه می‌گردد و از طرف دیگر ما گرفتار جنگ تحمیلی بودیم و دشمن از چند سو به ما حمله کرده است، ما نباید به دشمنانمان مرتب بیفزاییم چه در موضع‌گیری‌ها، چه در سخنرانی‌ها و چه در برخوردها.	ص ۳۳۸	تنش‌زدایی با دشمن

۲-۵. مدارا در چه حوزه‌هایی باید صورت گیرد؟

بنابر آنچه محققان در این قسمت بدان دست یافته‌اند، آیت‌الله مهدوی کنی (ره) اصل آزادی را برای جناح‌های سیاسی پذیرفته بودند ولی با توجه به مسئولیت‌های سیاسی این تشکل‌ها، برای آن محدودیت‌هایی قائل بودند. در واقع ایشان در مسئله محدودیت‌های آزادی، به صورت ایجابی تنها به مسئله تقدم مسئولیت بر آزادی اشاره کرده‌اند و به صورت سلبی، آزادی بدون چارچوب و بی‌دروپیکر را مذموم شمرده‌اند. جدول شماره ۸ فیش‌های مرتبط با این قسمت را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸: فیش‌های مربوط به (مدارا در چه حوزه‌هایی؟) در سیره آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

دلالات	منبع	فیش
اعتقاد به اصل آزادی بیان	ص ۳۶۷	۱ آقای کروبی در یک سخنرانی در مسجد اعظم قم فرمودند که آقای مهدوی کیست که این حرف‌ها را می‌زند؟! گفتم خوب، من یک آشپچی هستم، مگر شما نمی‌گویید هر کسی نظر خودش می‌تواند بگوید؟ من هم به‌عنوان یک ایرانی نظر خودم را گفتم.
مسئولیت، مقدم بر اصل آزادی	ص ۳۲۵	۲ انسان اول مسئول است و بعد آزاد؛ نه اینکه اول آزاد باشد و بعد مسئول. این آزادی که در مکتب ما جنبه حقوقی دارد، بعد از مسئولیت قرار می‌گیرد... ما می‌گوییم مسئولیت، اصل است و آزادی را باید تا جایی به حداقل رساند که مسئولیت‌ها از بین نروند.
مخالفت با مدارا و آزادی بی‌دروپیکر	ص ۱۵۸	۱ بنده یکی از چیزهایی که روی آن حساسیت فراوان دارم، همین بحث تساهل و تسامح و آزادی و آزادمنشی بی‌دروپیکر و بدون چارچوب است.

۲-۶. نتایجی که از مدارا انتظار داریم، چه چیزهایی است؟

حفظ وحدت جامعه اسلامی و به تبع آن حفظ و تداوم انقلاب اسلامی، مهم‌ترین نتیجه‌ایست که آیت‌الله مهدوی کنی از مدارا با افراد و جناح‌های مختلف، دنبال می‌کند.

جدول شماره ۹: فیش‌های مربوط به (مدارا با چه هدفی؟) در سیره آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام)

دلالات	منبع	فیش
مدارا با هدف حفظ وحدت جامعه اسلامی	ص ۳۲۵	۱ بنده با بسیاری از کارهایی که در امور اقتصادی می‌شد موافق نبودم و در عین حال برخورد قهرآمیز نداشتم و به خاطر حفظ وحدت و هماهنگی، موضع‌گیری تند نمی‌کردم و در محافل عمومی نظرات خود را کمتر مطرح می‌کردم، فقط در جلسات خصوصی مخالفت خود را با دوستان صراحت بیان می‌کردم.

۲-۷. مرز مدارا تا کجاست؟

این قسمت نیز یکی از مواردی است که آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) در باب آن مطالب فراوانی دارند. مقصود ما از مرز مدارا خطوط قرمزی است که مدارا در آن موارد دیگر معنایی ندارد بلکه مدارا نکردن ممدوح است. در بین خاطرات و سخنرانی‌های آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام) می‌توان پی برد که ایشان برای مدارا ۸ خط قرمز قائل بودند که در جدول شماره ۱۰ توضیح می‌شود و عبارتند از: عدم مدارا در مقابل حکومت ستمشاهی، توهین به مقدسات مذهبی، خدشه به منافع ملی، تضعیف وحدت روحانیت، ارتکاب منکرات در انظار عمومی، کمونیست‌ها، ضدانقلاب خارج‌نشین و مدارا تا مرز اقناع و فهم عمومی مردم از حوادث و فتنه‌ها.

جدول شماره ۱۰: فیش‌های مربوط به (مدارا تا کجا؟) در سیره آیت‌الله مهدوی کنی (علیه‌السلام)

دلالات	منبع	فیش
عدم مدارا با حکومت ستم‌شاهی	ص ۳۱۷	۱ در آن زمان در کمیته مشترک ضدخرابکاری شخصی به نام عضدی بود که معاون کمیته مشترک و آدم شقی ای بود. آقای هاشمی وقتی با او برخورد می‌کرد آرام بود و گاهی شوخی می‌کرد، اما من حاضر نبودم با این‌ها لبخند داشته باشم. من مقداری تندتر بودم.
عدم مدارا در مقابل	ص ۱۶۰	۱ (در سال‌های استقرار دولت اصلاحات) ما با این برخوردهای

دلالات	منبع	فیش
توهین مقدسات مذهبی		تساهل‌آمیز، علاوه بر اینکه نمی‌توانیم مخالفین را جذب کنیم، موافقین را هم از دست می‌دهیم؛ ما می‌ترسیم خدای نکرده با شعار تساهل و تسامح، آن تصلب و ثبات، به تحجر و واگرایی تبدیل شود.
عدم مدارا در مقابل خدشه به منافع ملی و حقوق مردم	ص ۲۵۵	۱ بعضی برای آقای حسن کروبی شفاعت کردند، از جمله آقای جلال‌الدین فارسی بود که اظهار داشت که آقای کروبی مرد خوبی است، گرچه ممکن است اشتباهی هم در این جریانات کرده باشد، شما این را تعقیب نکنید. من گفتم به سوابق ایشان کاری ندارم، بحث این است که یک کار خلافی انجام داده و باید پاسخگو باشد. ایشان تشریف بیاورند و به اشتباه خود اعتراف کنند و به مردم هم اعلام کنند و بگویند اشتباه کردم، زمین‌هایی را که به مردم داده‌اند همه را برگردانند.
مدارا در مقابل تضعیف وحدت روحانیت	ص ۲۹۸	۱ خدا بیامرز بازرگان گفت: «آقای بنی‌صدر! دلت را به این‌ها هم خوش نکن، این‌ها هم با آن‌ها هستند این‌ها آخوندها را من تجربه کرده‌ام، تو که یک آخوندزاده هستی این آخوندها را نشناخته‌ای، این آخوندها در مواقع حساس همه‌شان باهم می‌شوند». من گفتم آقای بنی‌صدر! مسئله واقعاً همین‌طور است. در مواقع خاص همان‌طور که مهندس بازرگان گفت ما باهم هستیم.
عدم مدارا در مقابل ارتکاب منکرات در انظار عمومی	ص ۳۸۳	۱ (در ماجرای جشن کمیته امداد در محله اوین) گفتم اگر شما در یک اتاق در بسته این کار را کرده بودید من هم در اتاق در بسته به شما تذکر می‌دادم. اما شما در مجلس عمومی و از طرف صداوسیما به این کار دست زدید و مردم را دعوت کردید. به اعتراف خودتان از ابتدای خیابان اوین و هتل اوین تا زندان اوین مردم صف کشیده بودند و ماشین‌ها برای شرکت در آن مجلس باشکوه آمده بودند؛ چگونه از من می‌خواهید که من پنهانی و با تلفن با شما صحبت کنم و بی سروصدا اعتراض نمایم. مگر انقلاب کردیم که منکرات و ناهنجاری‌های پیش از انقلاب را تکرار کنیم و به نام دین و انقلاب، همان کارها را انجام دهیم و

دلالات	منبع	فیش
		برچسب اسلامی و انقلابی روی آن بگذاریم؟
عدم مدارا در برابر کمونیست ها	ص ۵۱	۲ ما در زندان به برادران مسلمان مان می گفتیم که آقا با این فدایی های خلق و کمونیست ها ائتلاف نکنید؛ نگویند ما به عنوان وحدت هدف، باید با این ها باشیم.
عدم مدارا در مقابل ضدانقلاب خارج نشین	ص ۶۹	۲ (در پاسخ به تماس یکی از دوستان که در مورد ناامید شدن ایرانیان خارج از کشور نسبت به آینده انقلاب، گلایه می کرده)، فرمودند: گفتم مقصودتان از ناامید کردن مسلمان ها چیست؟ و آن مسلمان هایی که دارند ناامید می شوند چه کسانی هستند؟ اگر منظور شما مسلمانان فراری یا نامسلمانان فراری هستند که امیدی بسته بودند و فعلاً ناامید شده اند، بگذار ناامید بمانند. بعد گفتم شما فکر می کنید که این همه مدارا کافی نیست؟ چقدر باید مدارا کرد؟
مدارا تا مرز اقناع و فهم عمومی مردم از حوادث و فتنه ها	ص ۱۴۳	۲ من که در کمیته انقلاب اسلامی بودم از روزهای اول انقلاب می دیدم که آثار مستدل، مکتوب و مستند از خیانت این گروه ها یکی پس از دیگری به دست ما می رسید ولی ما منتظر روزی بودیم که این آثار کاملاً مشهود و محسوس شود. ... باید در مسائل اجتماعی خطا و جرم برای همه مسلم و مشهود باشد یا بشود برای مردم اثبات کرد تا در جامعه قابل پیاده شدن باشد. لذا دولت و نظام ما و امام ما دستور مدارا و صبر می دادند تا میوه در موقع خودش چیده شود

۲-۸. شاخص های مدارا کدام است؟

در قسمت شاخص ها به دنبال آن هستیم تا معیارهایی را که در بخش چارچوب مفهومی به مخاطب ارائه دادیم تا با آن معیارها بتواند مداراکنندگان را از غیر بازشناسد، در سیره آیت الله مهدوی کنی (رحمته الله علیه) به معرض آزمون بگذاریم تا ببینیم ایشان چه شاخص هایی را رعایت می کردند. مهم ترین شاخص هایی که می توان در سیره سیاسی این سیاست مدار صادق یافت، در جدول شماره ۱۱ قابل مشاهده است.

جدول شماره ۱۱: فیش‌های مربوط به (مدارا با چه شاخصی؟) در سیره آیت‌الله مهدوی کنی (ره)

دلالات	منبع	فیش
یکی از شاخص‌های مدارا: رفتار انسانی با دشمنان	ص ۲۲۰	۱ (در ماجرای تسخیر سفارت آمریکا) ما فکر می‌کردیم یکی دو روز آمریکایی‌ها را می‌گیریم و از کشور بیرونشان می‌کنند و طبق دستور معمول در برخورد با دیپلمات‌های خارجی به عنوان افراد غیر ذی‌صلاح آن‌ها را اخراج می‌کردند. در همه دنیا رسم است که دو روز، پنج روز، یک هفته به آن‌ها مهلت می‌دهند، می‌گویند از اینجا خارج شوید، اما این سبک برخورد مطلوب دنیا نبود. به نظر من ادامه آن چیز جالبی نبود.
یکی از شاخص‌های مدارا: خیرخواهی نسبت به مخالفان	ص ۲۴۴	۱ خدمت مرحوم شریعتمداری مطرح کردم که من می‌خواهم به تبریز بروم و این جریان‌اتی که در تبریز واقع شده جریان‌ات خطرناکی است، آیا شما راضی هستید که کشور را دونیمه کنند؟ و گروهی به نام شما و در زیرپوشش شما بخواهند کشوری یا استان خودمختاری تشکیل داده و حکومتی در برابر حکومت مرکزی علم کنند. البته ایشان گفتند: نه! من راضی نیستم چنین چیزی واقع بشود. من به ایشان عرض کردم بالاخره کسانی که در اینجا هستند به‌عنوان طرفداری از شما این کارها را می‌کنند. شما اگر مخالفید، مخالفت خود را علنی ابراز کنید، اعلامیه صادر کنید و بگویید من با این کارها مخالفم.
یکی از شاخص‌های مدارا: برخورد منطقی با مخالفان	ص ۲۸	۲ من بنا ندارم در منبر جمله‌ای پرخاش‌گرانه به گروه‌ها داشته باشم. دلم می‌خواهد همیشه تا مادامی که امکان داشته باشد با موعظه حسنه و جدال با آنچه که احسن است، با گروه‌ها برخورد کنیم.
یکی از شاخص‌های مدارا: احترام به مخالفان	ص ۴۳	۲ من دیشب در مصاحبه‌ای عرض کردم به جوانان عزیزی که در صف مخالفت هستند ... اگر می‌گوییم «عزیز» به من اعتراض نکنید که شما چرا به مخالفین هم می‌گویید «عزیز»؟ چون من معتقدم این جوان‌ها بیشترشان فریب خورده هستند. به آن جوان ۱۶ ساله نمی‌توانم بگویم که این آمریکایی است.
یکی از شاخص‌های مدارا: احترام به حقوق اقلیت‌ها	ص ۲۳۸	۲ ما با همه یهودی‌ها مخالفت نمی‌کنیم و همه یهودی‌ها هم با ما مخالف نیستند. در مملکت ما یهودیان بسیاری هستند و وظیفه ما این است که این اقلیت‌های مذهبی آسمانی را احترام کنیم و حقوق‌شان را حفظ کنیم و این تعهد را داریم و خواهیم داشت.

نتیجه گیری

فهم دقیق واژه مدارا، زمانی امکان پذیر خواهد بود که ابعاد مختلف مفهومی آن به درستی شناخته شود، بنابراین نگارندگان در بخش چارچوب تحلیلی مدارا به ۸ سؤال کلیدی در باب مدارا پاسخ دادند. سؤالات محوری عبارتند از: مدارا به چه معنایی است؟؛ مبانی مدارا کدامند؟؛ مدارا از چه کسی شایسته است؟؛ مدارا با چه کسی ضروری است؟؛ مدارا در چه حوزه‌هایی لازم است؟؛ هدف از مدارا چیست؟؛ و بالاخره مدارا تا کجا بوده و با چه شاخص‌هایی فهم می‌شود؟. این‌ها همه سؤالاتی است که با توجه به آثار مکتوب اندیشمندان این حوزه و از نگاه سیاست اسلامی بدان پاسخ داده شد.

در بخش دوم، این هشت سؤال بر اندیشه و عمل سیاسی آیت‌الله مهدوی کنی (رحمته‌الله) عرضه شد تا واژه مدارا از دریچه سیره سیاسی ایشان به عنوان یک سیاست مدار صادق و فقیه انقلابی، فهم شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که: ایشان مدارا را به معنای تحمل کردن، صبر و حوصله به خرج دادن و نیکوکاری تعریف کرده‌اند. قدرت سیاسی، تقوای اجتماعی و تبعیت از ولایت را مبنای مدارا می‌دانستند. مدارا کردن را وظیفه حاکمان جامعه اسلامی، و دوستان و مخالفان و حتی دشمنان را سه گروهی می‌دانستند که باید نسبت به آن‌ها با مدارا رفتار شود. مدارای بدون چارچوب را قبول نداشتند و هدف مدارا را ایجاد وحدت در جامعه اسلامی می‌دانستند. برای مدارا حد و مرزهایی قائل بودند و برای مثال نظام ستم‌شاهی، ضدانقلاب‌های خارج‌نشین، خدشه به منافع ملی، توهین به مقدسات، انجام منکرات در انظار عمومی و... را قابل مدارا نمی‌دانستند. همچنین شاخص‌های مدارا مانند احترام به اقلیت‌ها، گفتگو با مخالفان و رفتار انسانی با دشمنان در سیره سیاسی ایشان قابل مشاهده است.

در جدول شماره ۱۲ پاسخ به سؤالات هشت‌گانه در باب مدارا از دیدگاه ایشان، به صورت کلیدواژه آورده شده است تا خواننده محترم بتواند ماحصل چارچوب تحلیلی را در اندیشه و عمل سیاسی ایشان مشاهده کند.

جدول شماره ۱۲: پاسخ کلیدواژه‌ای به سؤالات اصلی بحث مدارا در سیره آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)

در چه حوزه‌ای؟	به چه معنا؟
آزادی بیان به شرط تقدم مسئولیت بر آزادی آزادی بیان بدون چارچوب ممنوع	برخورد سخت و خشن نکردن، نیکوکاری کردن، صبر کردن
با چه هدفی؟	با چه مبنایی؟
حفظ وحدت جامعه و عدم تفرقه و دو دستگی	قدرت سیاسی، تبعیت از ولی فقیه، تقوای اجتماعی
تا کجا؟	از چه کسی؟
حکومت ستم شاهی، مقدسات مذهبی، منافع ملی، وحدت روحانیت، منکرات در انظار عمومی، کمونیست‌ها و ملحدان، ضدانقلاب خارج‌نشین، اقناع و فهم عمومی مردم	حاکمان و مسئولان جامعه اسلامی
با چه شاخصی؟	با چه کسی؟
رفتار انسانی با دشمنان، گفتگو با مخالفان، احترام به حقوق اقلیت‌ها	مدارا با دوستان (نظام جمهوری اسلامی، سایر کشورهای اسلامی) مدارا با مخالفان (آیت‌الله شریعتمداری، مهندس بازرگان، بنی‌صدر، نهضت آزادی، مجمع روحانیون مبارز، دولت اصلاحات و...) مدارا با دشمنان (تنش‌زدایی در سیاست خارجی)

یادداشت‌ها

۱. پیام تسلیت آیت‌الله خامنه‌ای به مناسبت رحلت مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی (علیه السلام)، ۱۳۹۳/۷/۲۹.
۲. به واسطه رحمت الهی با مردم مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی، مردم از اطرافت پراکنده می‌شدند.
۳. هیچ اجباری در انتخاب دین نیست.
۴. البته منوط به اینکه آن اندیشه‌ها و افکار در همان سطح تفکر و در مباحث علمی میان نخبگان باقی بماند وگرنه ترویج انواع افکار و عقاید، موضوع مدارای اسلامی نیست.

منابع

قرآن کریم

- أبوخلیل، شوقی (۱۹۹۸)، *التسامح فی الإسلام (المبدأ و التطبيق)*، بیروت: دارالفکر.
- جعفری هفتخوانی، نادر (۱۳۹۳)، *سیاست اخلاقی و اخلاق سیاسی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۹۶)، *خاطرات آیت الله مهدوی کنی*، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ سوم.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۷)، *خشونت و مدارا*، تهران: انتشارات کانون اندیشه جوان، چاپ دوم.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۲)، *دموکراسی قدسی*، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ دوم.
- روزبه، محمدحسن (۱۳۸۶)، *مدارا*، تهران: چاپ و نشر عروج، چاپ چهارم.
- ژولی سادا - ژاندرون (۱۳۷۸)، *تساهل در تاریخ اندیشه غرب*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- فاضل میبدی، محمدتقی (۱۳۷۹)، *تساهل و تسامح*، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی آفرینه، چاپ اول.
- فرزانه فر، حسین (۱۳۸۳)، «تساهل و مدارا در اندیشه‌های سیاسی اسلام»، *فصلنامه مطالعات اسلامی*، دوره بهار، شماره ۶۳.
- لاک، جان (۱۳۷۷)، *نامه‌ای در باب تساهل*، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- مهدوی کنی، محمدرضا (۱۳۹۰)، *عقل و دین (بیست گفتار در شناخت ابعاد معنوی حیات عقلانی انسان)*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول.
- مهمی، مازیار و محمدرضا شیخی محمدی (۱۳۷۸)، *تسامح از دیرباز تا امروز*، تهران: نشر ثالث، چاپ اول.
- نوعی، غلامرضا (۱۳۷۹)، *مدارا با مخالفان در قرآن و سیره نبوی*، رشت: انتشارات کتاب مبین، چاپ اول.
- هرش، سیلویا (۱۳۸۷)، *عقلانیت و تساهل در اسلام از دیدگاه لسینگ*، قم: انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب.
- هید، دیوید (۱۳۸۳)، *تساهل*، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.